



## انگلیس از شورای امنیت دست خالی برگشت

# دفاع مصدق از حق مردم ایران در سازمان ملل

**لیلا ابراهیمیان** پانزدهم مهر ماه ۱۳۳۰ه‍.تاسی هفدهنفره از ایران وارد نیویورک شد؛ علی شایگان، هدایت‌الله متین دفتری و مرتضی‌قلی‌خان بیات از کمیسیون نفت مجلس؛ اللهیار صالح، کاظم حبیبی کارشناس نفت، کریم سنجابی وزیر فرهنگ و حوقدان، جواد بوشهری وزیر راه، مظفر بقایی نماینده مجلس، حسین فاطمی معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر، حسین نواب وزیر مختار ایران در هلند، محسن اسدی و عیسی سیهدی مترجم، عباس مسعودی، شجاع‌الدین شفا و مصطفی مصباح‌زاده روزنامه‌نگار و غلامحسین مصدق پزشک مخصوص به‌همراه

محمد مصدق نخست‌وزیر. حدود ۱۰ روز قبل، دولت انگلستان به‌دلیل قانون ملی شدن نفت و اخراج انگلیسی‌ها یا اجرای قانون خلع یه‌به شورای امنیت سازمان ملل متحد و دادگاه لاهه شکایت برده بود. قرار بود بیست‌وسوم همراه در شورای امنیت سازمان‌ملل به این شکایت رسیدگی شود و علی‌قلی اردلان، نماینده ایران در سازمان‌ملل اعلام کرد که نخست‌وزیر خود برای دفاع به نیویورک خواهد آمد. البته «یرواند آبراهامیان» در کتاب «کودتا» می‌نویسد که رفتن مصدق به امریکا با یک اشتباه امریکایی‌ها هم همراه شده بود؛ «اشتباه فاحش دیپلماتیک سبب انجام این سفر شده؛ پرزیدنت ترومن طی تلگرافی از نخست‌وزیر انگلیس» کلمنت ریچارداتلی «دعوت کرده‌بود که از واشنگتن دیدن کند. نسخه‌ای از این دعوت‌نامه خطاب به نخست‌وزیر به سفارت بریتانیا در تهران ارسال شد و کارکنان آنجا با این تصور که دعوت‌نامه برای نخست‌وزیر ایران آمده است، آن را به مصدق تسلیم کردند. وزارت خارجه امریکا برای پوشاندن این آبروریزی سریعاً اعلام کرد که

داشت تااز ضرورت ملی شدن نفت در ایران و فشارهای اقتصادی ظالمانه انگلیس بگوید. اما در سوسی دیگر ماجرا، انگلیسی‌ها که ارزیابی‌شان از نقش میانجیگری امریکا، قوت بخشیدن به موضع ایران تلقی می‌شد، به این موضوع اعتنای چندانی نکردند. تا اینکه روز بیست‌وسوم مهرماه جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد به مدت چهار روز تشکیل شد. مصدق همان روز اول سخنرانی کرد و از حق مردم ایران بر دستیابی به ثروت نفت و ملی شدن آن گفت. او تلاش انگلستان در کشتاندن اختلاف دو کشور به شورای امنیت را نکوهش کرد و بهانه به‌خطر افتادن صلح و امنیت جهانی را در این موضوع باوه خواند. آن‌روز در مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل، گلاودین جبب (نماینده انگلیس) خواست تا باز با تکیه بر ادعاهای پیشین و پرهیز دادن مصدق از روش‌های «تجاوز کارانه ناسیونالیستی» تصویری تیره از مصدق ارائه کند اما یان آرام، منطقی و خردمندانه نخست‌وزیر ایران (به زبان فرانسوی) که بر احترام گذاشتن به اصل آزادی و عدالت و حرمت نهادن به دیگری استوار



بود، دفاع خوبی از حقوق ملت ایران شمرده شد و هم تصویری باشکوه از وی در ذهن جهانیان به یادگار گذاشت. مصدق گفت ایران صلح جهانی را به خطر نمی‌اندازد و این انگلستان است که قصد مداخله مسلحانه در ایران را دارد و تأکید کرد اختلاف دولت ایران با یک شرکت بازرگانی و اقتصادی خصوصی ارتباطی به دولت بریتانیا ندارد. مصدق به گفته دین آچسن وزیر خارجه امریکا یک‌شنبه به ستاره تبدیل شد و همه تلویزیون‌ها و روزنامه‌ها از او می‌نوشتند. پیرمردی تکیده و لاغراندام که آرام ولی محکم از حقوق مردم کشورش می‌گفت و یک تنه جلوی مهم‌ترین قدرت‌های جهان ایستاده بود؛ تصویری که در نهایت باعث شد مصدق به‌عنوان مرد سال مجله تایم انتخاب شود. مصدق در یازگشت از نیویورک در مصر توقف کرده؛ هزاران نفر از مردم مصر برای استقبال از او در فرودگاه قاهره اجتماع کرده بودند و با شعار «یحیی مصدق، یحیی ایران» مصدق و هیأت ایرانی را خوش آمد می‌گفتند. به‌نوشته غلامحسین

مصدق «به محض پیاده شدن پدرم از هواپیما مردم لهله‌زنان او را از زمین بلند کردند و در یک چشم به هم زدن او را روی دست به طرف اتومبیل بردند.» سرانجام شورای امنیت سازمان‌ملل بعد از بررسی‌ها و سخنرانی اعضا و نمایندگان ایران و انگلیس براساس پیشنهادفرانسیس لاکوست (نماینده دولت فرانسه) با رأی موافق اکثریت تصمیم گرفت، مسأله اختلاف دو کشور ایران و انگلستان را تا هنگام تصمیم‌گیری دیوان لاهه در ارتباط با شکایت انگلیس از ایران، مسکوت گذارد؛ اتفاقی که در واقع اولین شکست انگلیس در این پرونده حقوقی بود. البته مقامات ناکام انگلیسی که دست خالی از نیویورک برگشته بودند از شکایت خود به دیوان بین‌المللی لاهه کوتاه نیامدند و برای دومین بار در بهمن ۱۳۳۰ به این دیوان بین‌المللی شکایت بردند و خواستار رسیدگی سریع‌تر به شکایشتان از ایران شدند. سرانجام دیوان بین‌المللی لاهه در هفتم مرداد ۱۳۳۱ به شکایت انگلیس از ایران رسیدگی کرد. محمد مصدق خود در این جلسه حاضر بود. در لاهه، پروفیسور هنری رولن، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه بروکسل و رئیس پیشین مجلس سنای بلژیک و کیل مدافع ایران بود و از حق ایران دفاع کرد. مصدق بار دیگر در دادگاه لاهه از حقوق ملت ایران سخن گفت و تأکید کرد ملت ایران به علت‌الملل بدبختی‌های خود پی برده و مصمم است فساد را برای همیشه ریشه کن کند و اجازه نمی‌دهد خارجی بر سرنوشت‌اش تسلط یابد. سرانجام رأی دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام شد: «دیوان دادگستری بین‌المللی نظر دولت انگلیس را موجه ندانست» اتفاقی که پیروزی بزرگ بین‌المللی برای ایران محسوب و در تاریخ معاصر ایران ماندگار شد.

## بریده جریده

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

پیم نخست وزیر به مردم

## فروش اوراق قرضه ملی

«... چنانکه می‌دانید مهم‌ترین وظیفه دولت اجرای قانون مربوط به ملی شدن صنعت نفت است و برای حصول این مقصود دولت ناچار از داشتن مالیه و وجوه کافی می‌باشد و به همین منظور قانون قرضه ملی به تصویب رسید و اجرای آن تا به امروز از جهت آماده شدن برگ‌های قرضه ملی به تعویق افتاد. اکنون به استحضار هموطنان عزیز می‌رسانم که ردیف اول اوراق قرضه ملی از فردا در سراسر کشور بوسیله شعبات بانک ملی در مدت دو ماه در دسترس عموم گذارده خواهد شد. آیین مقدس ما جهاد به مال را مقدم بر جهاد به نفس دانسته و اینکه آن روز فرا رسیده که احاد و افراد ملت ایران در این جهاد حیاتی خود را سهم کنند و هر کس تا آنجا که ممکن است برای نگاهداری و نگاهبانی این بنای کهن که اجداد ما در خاک آن کفته‌اند و اولاد ما بر فراز آن زندگانی خواهند کرد، ولو بقدر یک خشت باشد شرکت کنند.ملت ایران از راه شرکت در قرضه ملی باید به دنیا نشان دهد که در سرزمین ایران هنوز فرزندانای دارد که اگر دست عداوت هر کس به سوی میهن او دراز شود برای شکستن آن از هیچ فداکاری مضایقه نمی‌کند و حتی از بذل ضروری‌ترین وسایل معیشتش خودداری نمی‌نماید و حاضر است از هر نعمت و راحتی چشم ببوشد ولی به روی دشمنان مسلط بر جان و مال خود چشم باز نکند. دولت فقط به یاری شما کارگران و کارمندان و دانشجویان و بازرگانان و مالکین و بالاخره همه زنان و مردان این آب و خاک، به پشتیبانی افکار و نظریات فرد فرد ملت ایران توانست قانون ملی شدن صنعت نفت را اجرا کند و با اخراج کارشناسان بیگانه که حساس‌ترین و زرخیزترین نقطه



مملکت ما را اشغال کرده بودند. توفیق یابد.هموطنان عزیز اکنون شمارا حل نهایی این جهاد تاریخی را به پایان می‌رسانید و با شرکت در قرضه ملی آخرین فداکاری را برای حصول به مقصود مقدس خود ظاهر می‌سازید. با خرید برگ‌های قرضه ملی گذشته و از اینکه در بهبود وضع مالی دولت کمک مؤثری می‌کنید برای آتیه فرزندان خود نیز سرمایه و اندوختهای فراهم می‌سازید. پرداخت بهای برگ‌های قرضه ملی و جایزه آن طبق قانون بیست و ششم مرداد ماه ۱۳۳۰ در دولت تعهد شده است و کوپن‌های جایزه اوراق قرضه از ابتدای سال دوم در باجه‌های کلیه بانک‌ها به حساب دولت قابل پرداخت می‌باشد و اصل قرضه را هم بعد از دو سال می‌توانند بابت هر نوع بدهی که به دولت داشته باشند از قبیل مالیات و حقوق گمرکی و سایر عوارض حساب کنند. در خاتمه نیز بار دیگر از همت جوانمردانه ملت رشید ایران یاری می‌طلبم و امیدوارم با مساعدت عموم هموطنان عزیز هر چه زودتر بر مشکلات فائق آمده و به آمال ملی خود برسیم»

روزنامه اطلاعات - یکشنبه ۱ دی ۱۳۳۰

فاطمی ماند تا اعلام شود

## ترور نافرجام در ظهیرالدوله

دکتر سید حسین سیف‌پور فاطمی نائینی مدیر و صاحب امتیاز روزنامه «باختر امروز»، نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی و وزیر امور خارجه کابینه دکتر محمد مصدق، جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۳۰ هنگام سخنرانی در پنجمین سالگرد گرامیداشت محمد مسعود در آرامگاه ظهیرالدوله توسط محمد مهدی عبدخدایی عضو جمعیت فدائیان اسلام از ناحیه شکم هدف گلوله قرار گرفت. «بیش از ده دقیقه از شروع سخنرانی نمی‌گذشت که صدای گلوله و صدای ناله دکتر فاطمی شنیده شد. در این وقت جوانکی هفت تیری را که در دست گرفته بود به زمین پرتاب کرده دست‌های خود را بلند کرد و از وحشت فریادی کشید. تماشاچیان و اطرافیان شخص ضارب را احاطه کرده شروع به کتک زدن او نمودند.

پس از انتقال دکتر فاطمی به بیمارستان نجمیه، پروفیسور یحیی عدل در بیمارستان حاضر شده و با حضور دکتر غلامحسین مصدق، دکتر میرفخرایی و دکتر نجم آبادی عمل جراحی بعمل آمد.

ضارب را بلافاصله به شهربانی بردند. در اتاق رئیس شهربانی کل با حضور سرتیپ دانش‌پور معاون شهربانی، بهرامی رئیس اداره آگاهی‌ها؛ از او شروع به تحقیقات شد. ضارب در پاسخ به علت تیراندازی شروع به خواندن قرآن و فرستادن صلوات کرده و فریاد می‌زد که باید «خائنن را کشت و آنها را به سزای خود رسانید».

در بازجویی سن خود را ۱۵ سال و نام خود را محمد مهدی عبدخدایی فرزند غلامحسین معرفی کرده و گفته



است «پدرم در مشهد مجتهد است و خودم در تهران شاگرد مغازه میخ فروشی حاج قاسم باقرزاده هستم و شب‌ها در سرای سقاچی در کارخانه سینی‌سازی رجبی می‌خواهم» اسلحه‌ای که از ضارب به‌دست آمده از نوع کلت امریکایی است که مستعمل می‌باشد، روی دسته اسلحه به خط عربی نوشته بودند: «اما آزادی نواب صفوی را می‌خواهم» ضارب در جریان تحقیقات گفت: من مأمور بودم دکتر مصدق را بکشم ولی او را پیدا نکردم و بعد مأمور کشتن امیرعلایی (معاون نخست‌وزیر) شدم او را هم به‌دست نیاوردم و دیروز به شیران رفته دکتر فاطمی را زدم. روزنامه کیهان - شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۳۰

## رپرت

دهخدا دارایی خود را در اختیار نخست‌وزیر گذاشت

## دو نامه به یادگار، از دو چهره ماندگار



دانشمند محترم آقای علی اکبر دهخدا تمام سرمایه خود را که بالغ بر یک صد هزار ریال می‌شود برای کمک به پیشرفت آمال ملی به نخست‌وزیر واگذار کرده است. دهخدا مردی که زندگی خود را وقف خدمت به فرهنگ کشور کرده اینک با تقدیم آخرین اندوخته خود برای کمک به مبارزه ملی، سرمشقی بزرگ به کسانی داده است که برای تظاهر ادعای کمک به دولت می‌کنند و در عمل چیزی نشان نمی‌دهند.

استاد دهخدا در اوان مشروطیت یکی از بزرگترین مبارزین انقلاب بود، مقالات وی در صوراسرافیل چنان دستگاه حکومت اسناد را به وحشت انداخت که محمد علی شاه رسماً گفت باید این جوان از مملکت تبعید شود. پس از حادثه بمباران مجلس، دهخدا به اروپا تبعید شد. در اروپا با مشقت فراوان زندگی کرد، روزها اغلب با بلوطی سد جوع می‌نمود و با مجاهدت بی‌نظیر سه شماره از روزنامه صوراسرافیل را به کمک مرحوم معاضد السلطنه در سوئیس و سپس ۱۴ شماره از روزنامه فروش را در اسلامبول منتشر ساخت و در همان وقت از طرف مردم تهران و کرمان به نمایندگی مجلس دوم انتخاب شد. دهخدا پس از پایان مجلس دوم تا امروز که حدود ۴۰ سال می‌گذرد به احیای زبان فارسی پرداخته است. دانه المعارفی که دهخدا مشغول تهیه آن است با حروف ریز در ۲۰۰ مجلد باید منتشر شود. برای تهیه این دازه المعارف بزرگ و بی‌نظیر، استاد دهخدا ۴ میلیون و نیم نسخه یادداشت تهیه و برای چاپ حاضر نموده است. تاکنون ۱۴ مجلد این دازه المعارف از طرف وزارت فرهنگ و به‌وسیله چاپخانه مجلس چاپ و منتشر شده است. با اینکه وزارت فرهنگ حاضر شد از ۵۰۰۰ نسخه که از هر مجلد منتشر می‌کند و ۲۰۰۰ نسخه به خود استاد تقدیم کند معهنا دانشمند بزرگ این هدیه را قبول نکرد و از مال و منال دنیا روی گرداند. او اکنون در خانه‌ای که از طرف وزارت فرهنگ برای سکونتش اختصاص داده شده بسر می‌برد. دهخدا که اکنون حدود ۷۰ سال دارد و متجاوز از چهل سال در گوشه یکی از اتاق‌های این منزل در میان کتاب‌هایش بسر برده روزی ۱۶ ساعت کار کرده و در گوشه دیگر اتاق در رختخواب خود به خواب رفته است. این دانشمند عالیقدر که پی‌شک تاریخ ایران نظیر او را بسیار نادر دیده است از مال دنیا جز در حدود ده هزار تومان چیزی نداشت و آن را نیز با کرامتی که فقط از چنین اشخاصی می‌توان دید، ضمن نامه‌بی‌آلایش و دوستانه‌ای به دکتر محمد مصدق هدیه کرد تا در راه پیشرفت آمال ملی به مصرف برساند.

■ نامه دهخدا به نخست‌وزیر

اقربات شوم اگر دل یک کتاب چند هزار صفحه بود دلم می‌خواست که آن کتاب را به ضمیمه این نامه برای شما بفرستم تا معلوم شود همه صفحات آن مشحون از ذکر جمیل و تمجید و تجلیل بشر دوستی و وطن پرستی و شجاعت و فداکاری اعلیحضرت شاه و شخص شخص شماسست. باور بفرمایید شب‌هایی را که می‌دانستم شما در آریلان هستید بیش از ده بار از خواب می‌جستم و برای سلامت شما دعا می‌کردم... یک دوره از چاپ شده‌های کتاب لغت برای تبریک ورود شما برای یادگار دوستانه تقدیم کردم و مبلغ ده هزار تومان هم برای تاریخ سلخ بهمن ۱۳۳۰ برای اینکه از خریداران یوسف بشمار بیایم برای مصارف ملی بلاعوض تقدیم داشتم. این آخرین چیزست که از مال دنیا دارم و از کوچکی آن شر مشرام».

■ پاسخ نخست‌وزیر

«استاد دانشمند جناب آقای علی اکبر دهخدا دامه افاضه، نامه شریف عز و صول ارزانی داشت. از مضامین عالیه او بهره‌مند و از الطاف کامله متشکر شدم. اگر سری در موقیعت اینجانب در قسمتی از آمال ملی باشد مروهون پشتیبانی اعلیحضرت شاه و محبت و خوش نیتی افرادی مانند جنابعالی و قاطبه ملت بوده است، علاوهر آنکه حسن درایت و شجاعت پادشاه مهربان مستلزم حسن کفایت و شهامت کارکنان دولت است. در ممالک دموکراسی نیک و بد دولت‌ها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و خردمندان ملت‌ها است که در رأس آنها باز شخص شخص شاه قرار دارند. ضمناً از مراتب فتوت و رادمردی جنابعالی متشکرم که در عین بحران منافع و فقدان منافع مالی خود با ارسال چک یک صد هزار ریال در کمک به آمال ملی پیشواشده اید.

اما به مناسبت نزدیکی ایام انتشار اوراق بهادار قرضه ملی اجازه می‌خواهم که آن را مسترد کنم تا در موقع خود معادل آن از آن اوراق خریداری فرمایید. قطع دارم که آثار این اثران در پیشرفت متوایات ملی بسیار خواهد بود.»

دکتر محمد مصدق استاد دهخدا پس از وصول این نامه مجدداً به آقای دکتر مصدق پیغام داده‌اند که در صورت خرید اوراق قرضه ملی آن را نیز به آقای نخست‌وزیر هدیه خواهند کرد.

روزنامه کیهان - پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۳۰



۱ آذر

پروفیسور آرتور پوپ در مقاله ای مندرج در روزنامه نیویورک تایمز ایران را به‌دلیل مقاومت در مقابل شرکت نفت انگلیس و ایران ستود.



۱۲ آذر

لویی هندرسن سفیر امریکا در ایران «ویلیام وارن» معاون وزارت کشور امریکا را به‌عنوان رئیس اداره اصل ۴ ترومن در تهران به شاه معرفی کرد.

۲۴ مهر

نماینده امریکا در شورای امنیت سازمان ملل، از شکایت انگلستان از ایران حمایت کرد.

۲۱ مهر

انگلستان بار دیگر به‌دلیل تلاش‌های ایران برای ملی کردن صنعت نفت به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد.

۶ مهر

دولت انگلستان به‌دلیل تلاش‌های ایران برای ملی شدن صنعت نفت به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد.

۱ مهر

کارشناسان انگلیسی تأسیسات نفت ایران به‌دستور دولت مصدق اخراج شدند

۴ مهر

مصدق برای گزارش اقدامات خود در مورد نفت در مجلس حضور یافت ولی جلسه به‌علت عدم حضور اکثریت نمایندگان تشکیل نشد. در نتیجه مصدق به میدان بهارستان رفت و نطق خود را برای مردم ایراد کرد و گفت هر جا مردمند مجلس همتاجا است.



۱۰ مهر

کارشناسان نفتی انگلیس از آبادان اخراج شدند.

۲۳ مهر

شورای امنیت سازمان ملل بررسی قطعنامه پیشنهادی انگلیس در مورد ملی شدن صنعت نفت ایران را شروع کرد.

۲۶ مهر

شورای امنیت قطعنامه انگلستان را در مورد نفت مسکوت گذاشت تا حکم دیوان داوری لاهه صادر شود.

## روز شمار

گردآوری: محمدگر شلشی

۱۳۳۰  
1951

۱۳۳۱  
1952